

# ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

شیما فاضلی\*

## چکیده

حس‌آمیزی یکی از روش‌های خلق تصاویر شاعرانه و مضمون‌های تازه نزد شاعران نوجو است. خاقانی نیز در راستای همین نوجویی و تلاش برای مضمون‌آفرینی به کاربرد حس‌آمیزی علاقه نشان داده است. توجه آگاهانه شاعر به جنبه‌های زبانی و معنایی سخن و استفاده از این ظرفیت‌ها در جهت خلاقیت هنری موجب بهره‌گیری وی از آرایه‌ها و صنایعی شده است که در کار شاعران هم‌دوره‌اش کم‌تر مورد توجه بوده است. حس‌آمیزی در شعر خاقانی به گونه‌ای است که می‌توان او را در این زمینه الگوی شاعران دوره‌های بعد دانست. بررسی نمونه‌های ارزشمند حس‌آمیزی، ساختار محکم و متنوع و ابعاد تصویری و معنایی آن در قصاید خاقانی نشان می‌دهد حس‌آمیزی پس از دوره سامانی کنار گذاشته نشده و یک باره در سبک هندی به اوج اهمیت خود نرسیده است بلکه با وجود شاعرانی چون خاقانی در حال طی نمودن مسیر کمال و اوج تدریجی خود بوده است و افزون بر مواردی که پژوهش‌گران نشان داده‌اند، خاقانی در کاربرد حس‌آمیزی نیز الگوی شاعران مضمون‌ساز و نوآور دوره‌های بعد بوده است.

## واژه‌های کلیدی

قصاید خاقانی، حس‌آمیزی، ساختار، ارزش‌های هنری.

---

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

حس‌آمیزی مقوله‌ای زبان‌شناسیک و یکی از عوامل رستاخیز سخن است که موجب آفرینش‌های بدیع معنایی و تصویری می‌شود. حس‌آمیزی از همان آغاز فارسی دری در شعر کاربرد داشت و گرچه در دوره‌های بعد، رفته‌رفته کم‌رنگ‌تر شد اما هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفت و در شعر شاعران صوفی‌مسلك و خلاق، مراحل تکامل خود را پیمود تا سرانجام در سبک هندی و شعر معاصر به اوج اهمیت و اعتبار رسید. خاقانی یکی از شاعران برجسته قرن ششم است که در راستای نوجویی و خلق تصاویر و مضامین تازه به کاربرد این آرایه علاقه نشان داده است؛ با این همه، بررسی دقیق و تعیین سطح و نوع کاربرد حس‌آمیزی در سبک و سخن خاقانی با وجود تعدد پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه زیباشناسی سخن وی و نیز پژوهش‌های موردی صورت گرفته در باره حس‌آمیزی، تا کنون اساس کار هیچ پژوهشی نبوده است؛ بنا بر این پژوهش حاضر با هدف شناخت دقیق ساختار بلاغی و دستوری انواع حس‌آمیزی و نوع کاربرد آن در تصاویر و خلاقیت‌های شاعرانه و سرانجام بیان جایگاه آن در سبک شاعری خاقانی فراهم آمده و تلاش نموده است به تبیین هر چه بیشتر این موضوع بپردازد. به همین منظور ۵۰ قصیده از بخش‌های مختلف دیوان خاقانی به صورت اتفاقی برگزیده و بررسی شد. خاقانی در این ۵۰ قصیده، بیش از ۷۰ بار از حس‌آمیزی استفاده کرده است. شواهد یافت‌شده از نظر بلاغی، ساختار دستوری و نوع ترکیب حواس، تنوع و ویژگی‌های خاصی را نشان می‌دهند که در ادامه این پژوهش به بررسی نوع و چگونگی آن پرداخته می‌شود.

### پیشینه پژوهش

در باره حس‌آمیزی، بیش از همه، پژوهش‌های ارزنده محمدرضا شفیعی‌کدکنی در کتاب‌های صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، کاربرد زبان شعر در نثر صوفیه و مقالاتی دیگر شهرت دارد. مریم بهنام در مقاله «حس‌آمیزی سرشت و ماهیت»، پرستو کریمی در مقاله

## ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۵۵

«حس‌آمیزی و حواس پنج‌گانه»، محمدتقی یاسمی و غلامحسین معتمدی در مقاله «وحدت حواس و آفرینش شعر» و کاووس حسن‌لی در «حس‌آمیزی در ادبیات پارسی» نیز به کاوش در نوع، ارزش‌ها و ریشه‌شناسی واژه و آرایه حس‌آمیزی پرداخته‌اند. بررسی‌های موردی این مقوله اغلب به شعر شاعران سبک هندی به ویژه بیدل دهلوی اختصاص دارد و مقاله «بررسی حس‌آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی» از شراره الهامی پژوهشی ارزنده در این زمینه به شمار می‌رود. از میان شاعران معاصر حس‌آمیزی در شعر سپهری و شاعران پس از انقلاب جلوه بیشتری داشته و موضوع پژوهش بوده است. در برخی از این کتاب‌ها و مقاله‌ها از جمله در کاربرد زبان شعر در نثر صوفیه و مقاله «حس‌آمیزی و حواس پنج‌گانه»، اشاراتی به برخی از انواع حس‌آمیزی در شعر خاقانی نیز صورت گرفته است. شفیع‌ی کدکنی، خاقانی را یکی از شاعران بزرگی می‌داند که به استفاده از حس‌آمیزی بیش از دیگران تمایل نشان داده است (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۷۸)؛ پایان‌نامه‌ای در باره صور خیال در غزلیات خاقانی نیز، بخشی از کار خود را به بررسی حس‌آمیزی در غزلیات او اختصاص داده است (اسلامی، ۱۳۹۱). نگارنده با پیش رو قرار دادن کتاب‌ها و مقالات ذکر شده، به بررسی این آرایه ادبی و ویژگی‌های زبانی در دیوان خاقانی پرداخته است.

### حس‌آمیزی؛ تعاریف و پیشینه آن در ادب فارسی و جهانی

شفیع‌ی کدکنی در موسیقی شعر، عوامل رستاخیز کلام را در دو دسته موسیقایی و زبانشناسیک بررسی می‌نماید و حس‌آمیزی را در دسته دوم این تقسیم‌بندی قرار می‌دهد (رک). شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۵)، در جایی دیگر نیز می‌نویسد: «یکی از وجوه برجسته ادای معانی از رهگذر صور خیال، کاری است که نیروی تخیل در جهت توسعه لغات و تعبیرات مربوط به یک حس انجام می‌دهد یا تعبیرات و لغات مربوط به یک حس را به حس دیگر انتقال می‌دهد» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۷۱). پژوهش‌گران بر این باورند که «یکی از علل این که حس را برای دریافتن مدرکات حسی دیگر به یاری می‌خواهیم، این است که به غیر از تصاویر مربوط

## ۵۶ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

به حس بینایی که برای توصیف‌شان واژگان فراوانی چون رنگ‌ها، اشکال و احجام و صفاتی چون تیره و روشن و .. در اختیار داریم، دربارهٔ مدرکات دیگر حواس، چنین گنجینهٔ واژگانی در اختیار نیست» (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

در بارهٔ منشأ پیدایش حس‌آمیزی در زبان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. گاه ریشه‌های آن را در مراحل نخستین حیات بشر و دوره‌های آغازین تاریخ جوامع انسانی جست‌وجو می‌نمایند؛ بدین دلیل که حس‌آمیزی از ویژگی‌های زبان است و به خصوص در حوزهٔ کاربرد عاطفی زبان امکان ظهور آن چندان دور از هنجار طبیعی نیست (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۶۴). گاه نیز به‌رغم سابقهٔ طولانی و وجود شواهدی از حس‌آمیزی در ایللیاد و ادیسه، آن را از ویژگی‌های اروپای یکی دو قرن اخیر و شعرهای کسانی چون بودلر می‌دانند (همان: ۴۵۰-۴۵۱)؛ البته استفاده از تجربهٔ حس‌آمیزی در مکتب‌های ادبی رمانتیسم و سوررئالیست، بیش از دیگر جریان‌های ادبی دیده می‌شود اما از لحاظ کاربرد چیزی نیست که با رمانتیک‌ها و در قرن‌های متأخر شروع شده باشد بلکه رواج این کاربرد، در میان رمانتیک‌ها بیش از دیگر مکتب‌ها و دوره‌های ادبی بود. ریشه‌های این گسترش را نیز تا حدی می‌توان در مباحثی که قبل از نهضت رمانتیسم رواج داشت، جست و جو کرد؛ مواردی هم‌چون امکان آمیزش هنرها و ترکیب موسیقی و نقاشی که صاحب‌نظران دربارهٔ آن بحث کرده بودند (همان: ۴۶۱). پس از سپری‌شدن دوران رمانتیسم نیز استفاده از استعاره‌های حس آمیخته در مکتب سمبولیست به اوج خود رسید (بهنام، ۱۳۸۹: ۸۷). سمبولیست‌ها بر این باور بودند که حقیقتی فراتر از محسوسات این جهان وجود دارد که برای شناخت آن نیاز به حواسی فراتر از حواس پنج‌گانه است (کریمی، ۱۳۸۷: ۳). به هر حال استفاده از آمیختگی حواس، بعد از انتشار مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه، گسترش بیشتری یافت. با این همه برخی از پژوهش‌گران آن را نشان انحطاط و نوعی بیماری و از علائم فساد شمرده‌اند، حال آن که چنین نیست. حس‌آمیزی یکی از وجوه بیان است که در همهٔ زبان‌ها می‌توان نمونه‌های آن را یافت (نک: شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۵۲).

## ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۵۷

«باور به گونه‌ای ارتباط میان حواس، پایه نامگذاری حس‌آمیزی با عنوان synesthesie در ادبیات غرب بوده است این واژه، از یونانی syn به معنی پیوند و Aesthesis به معنی احساس ترکیب شده است. سینستزی در اصل وضعیتی نورولوژیک (=عصبی) است که در آن دو یا سه حس با یکدیگر مرتبط می‌شوند. در مبتلایان به سینستزی گاه موسیقی و اصوات می‌توانند به صورت رنگ یا شکلی خاص به تصور درآیند، گاه اعداد و ارقام با فضاها تصور می‌شوند و گاه با حروف الفبا به صورت رنگی ادراک می‌شوند» (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

گروهی از پژوهش‌گران، حس‌آمیزی را از گونه‌ی مجاز می‌دانند و گروهی دیگر آن را زیرمجموعه استعاره در نظر می‌گیرند. برخی دیگر نیز در پژوهش‌های تازه‌تر در بررسی حس‌آمیزی‌های غزلیات بیدل نمونه‌هایی به دست داده‌اند که نشان می‌دهد کنایه نیز می‌تواند در ساخت حس‌آمیزی به کار رود (رک. الهامی، ۱۳۸۷: ۳۳). حس‌آمیزی به گسترش زبان شعری و نیز تضمین تأثیر هنر شاعری کمک می‌کند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۴۸-۴۴۹) و برای فهم و شناخت ساختار ذهن بشر به ویژه جنبه‌های خلاقیت و آفرینش‌گری آن کلید بسیار مهمی محسوب می‌شود (بهنام، ۱۳۸۹: ۸۲).

حس‌آمیزی در ادب فارسی هم‌چون ادبیات سایر ملت‌ها در همه دوره‌ها وجود داشته است؛ با این تفاوت که کاربرد آن در ادب گذشته آگاهانه نبود و این همه رواج نداشت (نک: شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۴۸). شفیعی‌کدکنی در اظهارنظری متفکران اسلامی را پیش‌آهنگان نظریه حس‌آمیزی در جهان قلمداد کرده است:

«در فرهنگ ایران دوره اسلامی، نظریه حس‌آمیزی پیشینه‌ای کهن‌تر از هزار سال دارد و بنیاد فلسفی آن و بحث نظری در باره امکان یا عدم امکان آن به منازعات میان اشاعره و معتزله می‌رسد. اشاعره این نکته را که حسی می‌تواند به قدرت الهی، جانشین حس دیگری شود آشکارا مطرح کرده‌اند و بدین گونه در تاریخ اندیشه بشری و در تاریخ مسایل جهان‌شناسی پیش‌آهنگان نظریه حس‌آمیزی به شمار می‌آیند. در تاریخ اندیشه جهان، در هیچ جای دیگر، جز در آرای اشاعره، چنین زمینه‌ای دیده نشده است با این‌که به طور عملی چنان‌که اشارت

## ۵۸ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

رفت، حس‌آمیزی در همهٔ زبان‌ها بیش و کم همیشه، مصادیق خود را داشته و دارد» (همان: ۴۶۶-۴۶۹).

در سبک‌ها و دوره‌های مختلف ادب فارسی می‌توان سیر توجه به این آرایهٔ ادبی را به روشنی دید؛ گذشتگان هم در عمل و هم در نظریه و تفسیر شعر به حس‌آمیزی توجه داشته‌اند (نک: شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۸۶) اما علی‌رغم ارزش‌های هنری بالایی که حس‌آمیزی دارد، در کتاب‌های بلاغت به تقلید از ادب عربی چندان توجهی به آن نداشته‌اند (نک: حسن‌لی، ۱۳۷۶: ۵۹) و در مواردی برخی کاربردهای حس‌آمیزی را در شمار مشکلات دانسته و یا به گونه‌ای مثلاً با در نظر گرفتن واژهٔ محذوف آن را توجیه کرده‌اند (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۴۲). توجه به حس‌آمیزی در شعر شاعران سبک خراسانی بیشتر با توجه به رنگ و درآمیختن حس بینایی و دیگر حواس مطرح بود، «هر چیزی که در شعر ایشان ارایه می‌شود، با رنگی خاص در صورت امکان ترسیم می‌شود، هم‌چنین روشنی و تاریکی را که خود گونهٔ دیگری از مسألهٔ رنگ است در تصویرسازی بالاترین وظیفه را به عهده دارد و سایه روشن تصویرها به عهدهٔ آن است» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۷۷).

شفیع‌ی کدکنی حس‌آمیزی در سبک عراقی را چندان مورد اعتنا نمی‌داند:

«حس‌آمیزی در سبک عراقی در خلق تصاویر شعری، آرایهٔ پرکاربردی نیست و حتی توجه گسترده‌ای که از طریق کاربرد عنصر رنگ در اشعار طبیعت‌گرای سبک سامانی دیده می‌شود، در این سبک رفته رفته با فاصله گرفتن شاعران از طبیعت و کمک گرفتن از مسایل فرهنگی و فکری به جای طبیعت، اهمیت خود را در صور خیال شاعران از دست می‌دهد» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

با این حال، همو کاربرد این آرایه در شعر صوفیه را از گونه‌ای دیگر و بسیار چشمگیر دانسته است:

«حس‌آمیزی یکی از طبیعی‌ترین وجوه جهان‌بینی عرفانی است. هر عارفی، از رؤیت سوررئالیستی خویش، پاره‌ای از جهان ماده یا عالم معنی را به قلمرو حسی می‌کشاند که قلمرو

## ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۵۹

طبیعی آن حس نیست و شاید یکی از روش علمی سبک‌شناسی عرفان همین باشد که ببینیم در هنگام حس‌آمیزی هر عارفی کدام حس را مرکز احساس خویش قرار می‌دهد» (همان: ۴۸۰-۴۸۱). با توجه به کثرت نسبی آثار شاعران صوفی از سخنان پیش‌گفته این گونه برداشت می‌شود که کاربرد حس‌آمیزی پس از سبک خراسانی یک‌باره در سبک عراقی متوقف نشده، بلکه بر عکس، سیر تکاملی ارزنده‌ای را تا سبک هندی در پیش گرفته است در ضمن توجه شاعران خلاقیتی چون خاقانی به ابعاد زبانی و معنایی، در قرن ۶ هجری، زمینه‌ساز این گسترش در دوره‌های بعد بوده است. در سبک عراقی و آذربایجانی مولانا، سنایی و پس از او خاقانی بیش از دیگر شاعران به حس‌آمیزی توجه داشته‌اند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۷۸). مولانا در مثنوی بیشتر نگاه نظریه‌پردازانه دارد اما در غزلیات شمس با بهره‌جویی هنری بیشترین بهره را از مقوله حس‌آمیزی برده است (همان: ۴۷۶). «از نظر مولانا گونه‌ای پیوستگی میان پنج حس وجود دارد و حواس به گونه‌ای است که اگر یکی از پنج حس توانست به عالم مجرد راه یابد دیگر حواس نیز از بند محسوسات رها می‌شوند و دریچه‌ای از آن‌ها به عالم غیب گشوده می‌شود» (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۳۸).

پس از سبک عراقی «در شعر دوره صفویه به مناسبت تجدیدی که در قلمرو زبان و شعر و مسأله تصاویر شعری ایجاد شد، مقوله حس‌آمیزی گسترش بسیار یافت به حدی که بعضی از حس‌آمیزی‌های آن عصر برای ما حتی، پذیرفتنی نیست» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۴۹-۴۵۰). در شعر معاصر نیز آشنایی شاعران با مکتب‌های ادبی نوین و تلاش برای خلاقیت و آشنایی‌زدایی و در عین حال تأثر برخی از شاعران این دوره از شاعران سبک هندی، استفاده آگاهانه و روزافزون از حس‌آمیزی را بیش از پیش ساخت.

## ویژگی‌ها و سبک سخن خاقانی

خاقانی شاعر دشوارگوی قرن ششم هجری قمری و یکی از نمایندگان برجسته سبک آذربایجانی است. شعر و نثر این شاعر بزرگ افزون بر ویژگی‌های خاص سبک حد واسط

## ۶۰ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

آذربایجانی، تا حد زیادی دارای اختصاصات شخصی است. ویژگی‌هایی که مانند هر شاعر بزرگی، ریشه در روحيات و علايق فردی خاقانی دارد. دشوارگویی او دارای کیفیتی نیمه ارادی است و از یک سو به روحیه و میل نهفته برتری جوینی شاعر باز می‌گردد و از سویی دیگر ریشه در آگاهی‌های او در زمینه‌های مختلف علمی دارد (امامی، ۱۳۸۷: ۲۸). شعر خاقانی به گونه‌ای است که کم‌تر مورد توجه واقع می‌شود و اغلب، آن را دیر یاب می‌دانند با این حال تعمق در ظرایف شعری و تعبیری این شاعر و دقت در تصاویر بازآفریده او صاحب‌نظران و منتقدان را با اوج هنرمندی‌هایش آشنا تر می‌سازد.

سبک آذربایجانی که خاقانی یکی از نمایندگان برجسته آن است، حد واسط سبک خراسانی و عراقی است. «این شعر در حوزه اران پیدا شد و نمایندگان آن خاقانی، نظامی، مجیر و فلکی هستند. سبک آذربایجانی هر چند سبک مستقلی است می‌توان بنیاد زبانی آن را همان زبان کهن فارسی یعنی زبان سبک خراسانی دانست اما از نظر فکر و مختصات ادبی، پیش‌تر به سبک عراقی نزدیک است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۰۷). نمونه کامل اشعار این مکتب در قصیده، متعلق به خاقانی است. قصاید او دشوار و پر طمطراق، مفصل، سرشار از مفاخره و خودستایی، تلمیح به رسوم و فرهنگ عامه، اشاره به مسایل علمی، نجومی و طبی و بدگویی از حاسدان است. طنطنه عبارات و ضربه‌های پتک‌وار قوافی و ردیف نیز ویژگی زبانی غالب در سبک و سخن اوست که تا حد زیادی خواننده را از توجه به معنی دور و مسحور خود می‌سازد. با این حال بین کلمات شعرش پیوندهای لفظی و معنوی زیادی هست و اساساً لغات و تعابیر خاصی دارد که ویژه اوست (نک: همان: ۱۴۸-۱۴۹).

ویژگی بارز و مهم در قصاید و سبک سخن خاقانی تلاش برای مضمون‌آفرینی و تصویرسازی است. شعر او سرشار از تصویرهای بدیع و تازه می‌نماید. خاقانی برای ساخت این تصویرها تشبیه، استعاره و کنایه‌های دور از ذهن را به کار می‌گیرد و مسأله خلاقیت هنری یکی از ارکان شعری اوست؛ اصولاً، شاعران قرن ششم به ویژه شاعران سبک آذربایجانی به خلاقیت و ابتکار توجه بسیار داشتند و خاقانی در این زمینه پیشرو بود. امکانات زبانی و



## ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۶۱

ساختاری از عواملی هستند که به این فرآیند کمک بسیاری می‌کنند و او شاعری است که از این امکانات بیشترین بهره را برده است. وی در گزینش واژگان جهت خلق معانی، انتخابی کاملاً آگاهانه دارد. از سوی دیگر به آفرینش شبکه‌ای از تصاویر و معانی، علاقه بسیار نشان می‌دهد. در هم تنیدگی تصاویر از طریق انتخاب‌های آگاهانه، خلاقیت هنری خاقانی را به اوج می‌رساند. او به کمک این دو جنبه، تلاش دارد شعری تأثیرگذارتر و هنری‌تر عرضه نماید؛ حس‌آمیزی نیز از جمله ابزارهای است که در همین راستا در زبان شعری او راه یافته است.

### ویژگی‌های زبانی و معنایی شعر خاقانی و حس‌آمیزی

خاقانی شاعری پرگوست اما در عین حال به کاربرد بیشترین معنا و تازه‌ترین تصاویر با استفاده از کمترین واژه نیز تمایل بسیار نشان داده است؛ حس‌آمیزی با قدرتی که در ترکیب معانی و مفاهیم از رهگذر ترکیب دو یا چند حس دارد، در این زمینه ابزاری سودمند به شمار می‌رود. حس‌آمیزی گونه‌ای چند معنایی در سطح واژگان و گاه جمله ایجاد می‌کند که در عین کمک به اقتصاد زبان، معنا را فراتر از حد انتظار می‌برد و مواردی را به تصویر می‌کشد که زبان معمول و خودکار توانایی القا و بیان آن را ندارد. «چند معنایی شرایطی است که در آن، یک واحد زبانی از چند معنی زبانی برخوردار شود و در سطح تکواژ، گروه و جمله اتفاق می‌افتد» (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۵۲). چنین برخوردهایی با زبان است که ترکیب‌سازی و واژه‌آفرینی در جهت ساخت تصاویر بدیع و تازه را نیز در اشعار خاقانی افزایش می‌دهد.

حس‌آمیزی ابزاری کارآمد برای بیان تجربه‌های خاص و شاعرانه نیز هست؛ مثلاً نازک‌خیالی‌ها یا تجربه‌های نامحسوس روحانی و کشف و شهود عارفانه که فراتر از هنجارهای معمول زبان روزمره هستند و بدین وسیله در سطح زبان امکان ظهور می‌یابند. بیان مضمون‌های تازه در مدخل ۵ ذیل ساختار بلاغی در همین مقاله بررسی می‌شود. برخی از اندیشه‌های عرفانی - عرفان زاهدانه قرن ششم - در قالب حس‌آمیزی را در نمونه‌های زیر می‌بینیم:

## ۶۲ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

لطافت حرکات فلک به گاه سماع طراوت نغمات زبـور گـاه ادا

(همان: ۲۹)

چو خورشید و چو ایمان شو که ویران‌ها کنی روشن برهنه خلع‌ها می‌بخش اگر خورشید و ایمانی

از آن در خرقة آدم خشن خویی که در باطن مرقع دار ابلیسی، ملمع‌دار شیطانی

البته حس‌آمیزی‌های عارفانه خاقانی عمق و غنای ترکیبات حس‌آمیزی کسانی چون مولانا و سنایی را ندارد اما او نیز هم‌چون این دو عارف بزرگ، حواس را در شناخت این عالم، ناکارآمد می‌داند و خواهان ره‌اشدن از تنگنای آن‌ها است:

چون جان کارفرمایت به باغ قدس خواهد شد حواس کارکن در حبس تن مگذارش

که خوش نبود که شاهنشاه ز غربت باز ملک آید بمانده خاصگان در بند و او فارغ ز ایوانش

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۲۱۲)

نکته قابل تأمل در این زمینه کاربرد واژه‌هایی مانند رنگ در حس‌آمیزی‌های خاقانی است که از واژه‌های پرکاربرد عرفانی در اشعار سبک هندی نیز هست.

تو را در رنگ آزادان کجا معنی آزادی که ازرق پوش چون پنگانی خشن سیرت چو سوهانی

(همان: ۴۱۳)

فقر نیکو است ار چه به آواز بد است عامه را از این رنگ آواز تبرا شنوند

(همان: ۱۰۲)

در بوی و رنگ دهر نیچم که ره روم ارقم نیم که بال به چندن در آورم

(همان: ۲۴۱)

در تقابل قرار دادن واژه‌ها، مفاهیم و پدیده‌ها به منظور خلق تصاویر شعری و بیان مضامین تازه نیز موجب رویکرد به حس‌آمیزی می‌شود. تقابل از امکانات بسیار مهم توصیف و تصویر در جوامع ابتدایی، متون کهن و ادب تعلیمی است. شاعران با در تقابل قرار دادن مفاهیم و واژه‌هایی که بار ارزشی متضادی دارند، به تصویر و تثبیت موقعیت دل‌خواه خود می‌پردازند.

### ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۶۳

«حس‌آمیزی نیز نوعی بیان نقیضی و پارادوکسی است که دو سویه ناساز، در تصویر آن به کار گرفته می‌شود» (توکلی، ۱۳۷۷: ۳۷). کاربرد انواع تضاد و تقابل از شاخصه‌های سبکی خاقانی است (رک: امامی، مراونه، ۱۳۹۶)؛ از این روی آرایه‌های مبتنی بر تضاد از جمله حس‌آمیزی که قدرت نمایش تناقض‌آمیز دارند در شمار صنایع مورد توجه در قصاید او هستند. از دیگر ویژگی‌های سبکی خاقانی که در کاربرد حس‌آمیزی مؤثر به نظر می‌رسد می‌توان به تلاش برای تأثیرگذاری عاطفی هرچه بیشتر، علاقه به اغراق و ابهام‌آفرینی شاعر اشاره کرد.

در کنار جنبه‌های ذهنی و اندیشگانی، برخی از عوامل زبانی نیز به استفاده از حس‌آمیزی یا شدت تأثیر آن می‌انجامد؛ ردیف یکی از این امکانات زبانی در شعر فارسی است که در ساخت انواع حس‌آمیزی نقشی ارزنده دارد. «زبان فارسی و به خصوص ساختمان شعر فارسی (به اعتبار مسأله ردیف) این خصوصیت را دارد که چندحسی در آن به وفور به وجود آید. وقتی ردیف شعر یک شاعر شنیدن یا دیدن یا نوشتن باشد، بسیار چیزها که قابل شنیدن، دیدن و نوشتن نباشد به ناچار شنیدنی و دیدنی و نوشتنی خواهند شد. این چنین امکاناتی یا چنین اجباری در شعر زبان‌های دیگر وجود ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۵۳). خاقانی به کمک فعل‌های شنیدن و دیدن در جایگاه ردیف نمونه‌های موفقی در این زمینه ارائه کرده است.

سفر کعبه نمودار ره آخرت است      گرچه رمز رهش از صورت دنیا شنوند

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۰۲)

آب هر آهن و سنگ از بشود نیست عجب      که دم آتش طور از بد بیضا شنوند

(همان: ۱۰۴)

### ساختار حس‌آمیزی در شعر خاقانی

حس‌آمیزی را می‌توان از نظر ساختار بلاغی، دستوری و نیز تقسیم‌بندی بر اساس ترکیب حواس بررسی نمود (رک. الهامی، ۱۳۸۷). هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها در شعر خاقانی دارای نمونه‌هایی است.

### ساختار بلاغی

از نظر بلاغی دو سوی ترکیب حس‌آمیزی یا ویژگی دو حس ترکیب شده می‌تواند تشبیه، استعاره، مجاز یا کنایه باشد (نک: همان، ۳۳). محوریت تشبیه یا استعاره در فرایند شکل‌گیری تصویر نقش مهمی در توجه به حس‌آمیزی دارد (بهنام، ۱۳۸۹: ۸۶). «نظام‌گزینش و ترکیب واژگان یا همان فرایند استعاره و مجاز تا حد بسیاری به قوه‌ی تخیل شاعرانه وابسته است؛ بنا بر این همین خیال‌پردازی شاعر و نظام ایدئولوژیک وی، در میزان بهره‌وری از شگرد زبانی حس‌آمیزی بسیار مؤثر است» (همان: ۶۸). خاقانی نیز شاعری است که در صور خیال خود توجه شایانی به تشبیه و استعاره داشته است. به طور کلی «از میان تصویرهای خیالی در شعر خاقانی، تشبیه جایگاهی خاص دارد و حتی می‌توان گفت که تشبیه، عمده‌ترین بخش از تصویرهای او را در بر می‌گیرد» (امامی، ۱۳۷۸: ۲۰)؛ در ساخت ترکیبات حس‌آمیزی نیز تشبیه در مرتبه نخست اهمیت قرار دارد و پس از آن، استعاره، کنایه، ایهام و مجاز را نیز به نسبتی کم‌تر به کار برده است.

ساختار بلاغی حس‌آمیزی‌های خاقانی نسبت به دیگر ارکان شعرش تا حد زیادی ساده به نظر می‌رسد و وجه غالب حس‌آمیزی‌های او سادگی است با این حال گاه کاربردهای پیچیده‌ای نیز دارد که یادآور دشوارگویی اوست.

### تشبیه

سمع‌ها پر سماع داود سیست      کز سر زخمه شکر افشاندہ سیست

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۸۱)

از سر زخمه شکر افشاندہ است (= موجب پدید آمدن نوایی شیرین شده است).  
چون نای اگر گرفته دهان دارم جهان      این دم ز راه چشم همانا برآورم

(همان: ۲۴۴)

سوراخ‌های نی به چشم تشبیه شده است؛ چشمانی که مجرای سخن و آوای نی است (= ترکیب حس بینایی و شنوایی).

## ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۶۵

نفس بلبلان مجلس او ز این غزل شکرتر اندازد

(همان: ۱۲۳)

غزل (= سخن) در شیرینی به شکر مانند شده است.

از یاد کرد نام تو کام سخنوران چون نکهت مسیح معطر نکوتر است

(همان: ۷۶)

آوردن نام تو، سخن گفتن از تو، دهان را معطر می‌کند (= سخن خوشبو)، ترکیب حس شنوایی و بویایی.

حاسد چو بیند این سخن چون شیر و می چون سرکه گردد آن سخن لور کند او

(همان: ۳۶۸)

سخن در رنگ و طعم و خوش‌آیندی و ناخوشی به شیر، می و سرکه تشبیه شده است.  
استعاره:

دلسوز ما که آتش گویاست قند او آتش که دید دانه دل‌ها سپند او

(همان: ۳۶۷)

قند استعاره از لب به دلیل ادای سخنان شیرین.

این بحر بصیرت بین بی‌شربت از او مگذر کز شط چنین بحری تشنه‌شدن نتوان

(همان: ۳۶۰)

بحر بصیرت (= دریای آگاهی)، استعاره از قصیده‌ایوان مداین.

ما به بوسه بر لب ساقی شده فندق شکن تا فغان ز آن پسته شکر فشان انگیخته

(همان: ۳۹۳)

پسته: استعاره از لب

از لب من چون شکر خواهم که داری در جواب زهر کان در سنبل است از ناردان انگیخته

(همان: همان‌جا)

## ۶۶ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

شکر استعاره از سخن شیرین.

### کنایه

اگرم جفا نماید ز برای خشک جانی      به وفای او که خاقانی از آن به در نیاید

(همان: ۱۲۱)

بر سر چاه شقوق از تشنگان صف صف چنانک      پیش یوسف گرسنه چشمان کنعان دیده‌اند

(همان: ۹۲)

چندین تن جباران کاین خاک فروخورده است      این گرسنه چشم آخر سیر نشد ز ایشان

(همان: ۳۵۹)

گرسنه چشم بودن کنایه از حریص بودن؛ ترکیب حس‌چشایی و بینایی.

### مجاز

شو نمک بر آتش افکن کز سر خوان بهشت      خوش نمک در طبع و شکر در زبان آورده‌ام

(همان: ۲۵۶)

زبان، مجاز از سخن است. شکر در زبان آوردن نیز به معنای کلام شیرین داشتن است (=

ترکیب حس‌شنوایی - چشایی).

### ایهام

کریمی ایهام را نیز در ساخت حس‌آمیزی مؤثر دانسته و دو بیت زیر از قصاید خاقانی را

نمونه آورده است:

فخر من بنده ز خاک در احمد بینند      لاف دریاز دم عنبر سارا شنوند

(همان: ۱۰۳)

«ایهامی که در واژه دم (=نفس) است به آمیختن دو حس‌شنوایی و بویایی یاری داده است

به این ترتیب از بوی عنبر صدایی به گوش می‌رسد و آن لاف دریایی است» (کریمی، ۱۳۸۷:

۱۴۲).

## ساختار و ارزش‌های هنری حس آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۶۷

از شیر خوشی نجویم      چون ترشی ترکمان بیمنم

(همان: ۲۶۶)

«طعم ناخوش ترشی که در چهره ترکمان دیده می‌شود برای شاعر ناخوش آمده است»  
(همان، همان‌جا).

### ساختار دستوری

از نظر دستوری حس آمیزی می‌تواند به شکل ترکیب وصفی، اضافی یا غیرترکیبی باشد  
(کریمی، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۷).

حس آمیزی‌های ترکیبی در قصاید خاقانی نمونه‌های بیشتری دارد. اغلب ترکیب‌ها نیز ترکیبات وصفی هستند. ترکیبات، نسبت به حس آمیزی‌های غیرترکیبی ساده‌تر و زودياب‌ترند.

### ترکیب وصفی

صبح دمان دوش خضر بر دم آمد به تاب      کرد به آواز نرم صبحک الله خطاب

(همان: ۴۶)

نقاب شکر فام بندد هوا را      چون صبح از شکر خنده دندان نماید

(همان: ۱۲۷)

قطره کوثر و قطره قند      از شکرهای لفظ او اثر است

(همان: ۸۵)

### ترکیب اضافی

زیبان روغنیم ز آتش آه      بسوزد چون دل قندیل ترسا

(همان: ۲۴)

### حس آمیزی‌های غیرترکیبی

ترش و شیرین است قدح و مدح من با اهل عصر      از عنب می‌پخته سازند و ز حصرم توتیا

(همان: ۱۸)

## ۶۸ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

چون آستین مریمی و جیب عیسوی از خُلق تو زمانه معبر نکوتر است

(همان: ۷۶)

### حس‌آمیزی بر اساس ترکیب حواس

از نظر تقسیم‌بندی بر اساس ترکیب حواس می‌توان حس‌آمیزی را به صورت‌های زیر دید:  
ترکیب حس بینایی - شنوایی و برعکس./ ترکیب حس بینایی - بویایی و برعکس./ ترکیب حس بینایی - چشایی و برعکس./ ترکیب حس بینایی - بساوایی و برعکس./ ترکیب حس شنوایی - چشایی و برعکس./ ترکیب حس شنوایی - بویایی و برعکس./ ترکیب حس شنوایی - بساوایی و برعکس./ ترکیب حس بویایی - بساوایی و برعکس./ ترکیب حس بویایی - چشایی و برعکس.

شفیعی‌کدکنی حس بینایی را فعال‌ترین حس در ترکیبات حس‌آمیزی می‌داند.

«اگر به موارد موجود در زبان ادب و حوزه استعاره‌های اهل هنر بنگریم خواهیم دید که استعاره‌هایی از این گونه چه آن‌ها که در زبان به طور کامل پذیرفته شده و چه آن‌ها که قبول عام نیافته، بیشتر در جهت انتقال دادن صفات یا افعال مربوط به حس بینایی است و راز آن هم آشکار است زیرا فعال‌ترین حس انسان حس بینایی اوست که بیشترین سهم را در فعالیت‌های ادراکی او دارد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۴۷).

ولی قابل تأمل است که فعال‌ترین حس در ترکیبات حس‌آمیزی خاقانی، حس بویایی است و حس چشایی، شنوایی و بینایی پس از آن قرار می‌گیرند. اینک نمونه‌ای از ترکیب انواع حواس در قصاید او:

#### بینایی - چشایی

طفل بد را که گریه تلخ است به که در خواب نوش می‌بشود

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۶۹)

نقاب شکر فام بنهد هوا را چو صبح از شکر خنده دندان نماید

(همان: ۱۲۷)



زبان پیش‌گز مهر فلک‌خونان بره‌ای سازد ملک  
ابر آنک افشانده نمک وز چهره سگبار ریخته  
(همان: ۳۷۹)

#### بینایی - شنوایی

روضه روضه همه ره باغ‌منور بینند  
برکه برکه همه جا آب مصفا شنوند  
بر لب روضه همه جای تنزه شمرند  
بر لب برکه همه جای تماشا شنوند  
(همان: ۱۰۱)

#### شنوایی - بویایی

آبستم که چون شنوم بوی نان گرم  
از سینه باد سرد تمنا برآورم  
(همان: ۲۴۴)

#### بویایی - شنوایی

بل تا پری ز خون بشر خواهد استخوان  
تو چون فرشته بویی شنو استخوان مخواه  
بوی دارو شنوم روی بگردانم از او  
هر زمان شربت نو در مفرایید همه  
(همان: ۴۰۷)

#### بویایی - بینایی

دل زنده شدم به بوی بویست  
کلان بوی ز دل نهان مبینام  
(همان: ۳۰۶)

#### چشایی - بویایی

دل ملک طبع است قوت او ز بویی داده‌ام  
جان‌پری‌وار است خوردش ز استخوان داده‌ام  
(همان: ۲۵۶)

### چشایی - شنوایی

طاق ابروان رامش گزین در حسن طاق و در جفت کین      بر زخمه سحر آفرین شکر ز آوا ریخته  
(همان: ۳۷۸)

### شنوایی - چشایی

کاسه ریاب از شعرتر بر نوش قول کاسه‌گر      در کاسه سرها نگر ز آن کاسه حلوا ریخته  
(همان: همان‌جا)

گونه‌های دیگر ترکیب حواس در دیوان خاقانی شامل موارد زیر است:

چشایی - بینایی / شنوایی - بساوایی / و بساوایی شنوایی، که در شواهد پیشین به نمونه‌های آن اشاره شد و برای پرهیز از تکرار، از ذکر مجدد آن خودداری می‌شود.

پژوهشگران گونه‌ای دیگر از ترکیب امور و احساسات را در شعر سبک هندی نشان داده‌اند و آن ترکیب امر انتزاعی - حسی است که یک مفهوم عقلی و انتزاعی با یک ویژگی حسی ترکیب شده و تصویری زیبا و بدیع را به وجود می‌آورد (کریمی، ۱۳۸۷: ۴۲)؛ البته شفیع‌کدکنی این ترکیب را شبه حس‌آمیزی می‌نامد (شفیع‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۵۳). خاقانی به استفاده از این نوع حس‌آمیزی توجه ویژه‌ای داشته است به طوری که در نزدیک به نیمی از شواهد یافت شده، یک سوی ترکیبات و بافت‌های دارای حس‌آمیزی، امری انتزاعی است؛ بنا بر این می‌توان خاقانی شروانی را پیشرو شاعران سبک هندی در استفاده از این نوع حس‌آمیزی دانست. انواع ترکیب تصاویر انتزاعی - حسی نیز به قرار زیر است: تصاویر انتزاعی - بینایی / انتزاعی - شنوایی / انتزاعی - بویایی / انتزاعی - چشایی / انتزاعی - بویایی. شعر خاقانی برخی از نمونه‌های این تقسیم‌بندی را شامل می‌شود و همانند مورد قبل بیشترین شواهد آن مربوط به ترکیب امر انتزاعی - بویایی است.

### انتزاعی - بویایی

ز بوی خلقش جبل الوریید یافت حیات      ز فر نطقش جبل المتین گرفت بها  
(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۴)

## ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۷۱

مگر به ساخت گیتی نماند بوی وفا      که هیچ انس نیامد ز هیچ انس مرا

(همان: ۲۹)

خواب بد دیدم و ز بوی خطرناکی خواب      نیک بد رنگ شدم بند خطر بگشاید

(همان: ۱۵۹)

اگر بوی خشمش برد مغز دریا      تیمم گهی در بیابان نماید

(همان: ۱۳۱)

البته ناگفته نماند در برخی از نمونه‌ها، واژه «بو» کاربرد ایهامی دارد و معنای امید و آرزو نیز از آن استفاده می‌شود.

### انتزاعی - بینایی

بر دست آن تذرو چو پای کبوتران      می‌بین که رنگ عید چه زیبا برافکنند

(همان: ۱۳۵)

وگر رنگ عفوش پذیرد بیابان      چو دریاش نیلوفر مکنان نماید

(همان: ۱۳۱)

چون آینه دو چشم و چو ناخن برا دو گوش      در رنگ عید شانه زده دنب احمرش

(همان: ۲۲۵)

رنگ شوخی به مجلس آمیزد      سنگ فتنه به لشکر اندازد

(همان: ۱۲۴)

### انتزاعی - چشایی

چون عیش تلخ من به قناعت نبود خوش      از آن حلوا شوکرخنده برآورم

(همان: ۲۴۵)

ز گلشکر لفظ و تفاح خلقش      شماخی نظیر سپاهان نماید

(همان: ۱۳۱)

## ۷۲ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

برخی از کاربردهای تصاویر انتزاعی - حسی در شعر خاقانی به صورت غیر ترکیبی و در جمله نیز آرایه شده‌اند؛ در برخی از نمونه‌های این کاربرد پیچیدگی بیشتری، نسبت به نوع ترکیبی آن دیده می‌شود:

طبع کافی که عسکر هنر است چون نی عسکری همه شکر است

(همان: ۸۵)

### جایگاه حس‌آمیزی در سبک شاعری خاقانی

حس‌آمیزی در عین این که نسبت به دیگر صنایع شعری خاقانی آرایه‌ای پرکاربرد نیست و نمی‌توان آن را جزو عناصر سبک‌ساز و شاخصه سبکی شعر او دانست، مبتنی بر خیال‌پردازی، نازک‌اندیشی و ویژگی‌های خاص زبانی و معنایی او است؛ با این تفاوت که بر خلاف پیچیدگی‌های موجود در ساختار کلی شعرش و در مقایسه با شاعران سبک هندی و شاعران صوفی مسلک و عارفی همچون سنایی و مولانا ساختار ساده‌تری دارند. در میان این ترکیبات، هم نوع معمول و خودکار (بیشتر در اشاره به سخن، به ویژه سخن شاعر و حاصل ترکیب حس‌چشایی شیرینی و دیگر حواس) و هم هنری دیده می‌شود.

استفاده خاقانی از حس‌آمیزی به گونه‌ای است که می‌توان او را در تکامل این آرایه و نیز تأثیر بر شاعران دوره‌های بعد به ویژه شاعران سبک هندی مؤثر دانست. یکی از دلایلی که این فرضیه را تقویت می‌کند این است که بخش گسترده‌ای از شواهد یافت شده در قصاید خاقانی به ترکیباتی اختصاص دارند که یک سوی آن‌ها امری انتزاعی است. «کاربردی که در شعر سبک هندی از آن به فراوانی استفاده شده است» (الهامی، ۱۳۸۷: ۴۲). پژوهش‌گرانی چون علی دشتی و شفیع کدکنی، خاقانی را به دلیل مضمون‌یابی و باریک‌اندیشی پیشرو شاعران سبک هندی می‌دانند (رک دشتی، ۱۳۵۷: ۶۲-۶۹ و شفیع کدکنی، ۱۳۷۹: ۱۶) در حالی که گروهی دیگر مضمون‌یابی و نازک‌خیالی‌های او را از نوعی دیگر دانسته و منکر این تأثیر بوده‌اند. برخی از دلایل این گروه چنین است:

### ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی ۷۳

«در نزد خاقانی، توسل به دانش و علوم و استعاره‌های بدیع و تشبیهات تازه بیشترین جایگاه را داشته، اسلوب معادله که شیوه مرسوم جست‌وجوی معانی بیگانه در نزد شاعران سبک هندی است کمتر مورد توجه او بوده است. خاقانی اگر چه از اسلوب معادله نیز برای مضمون‌آفرینی استفاده کرده است اما سهم این شیوه مضمون‌آفرینی در مقایسه با سایر شیوه‌ها بسیار اندک است» (غنی‌پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۳).

اما به نظر می‌رسد موارد تأثیر شاعران سبک هندی از این شاعر محدود به استفاده از اسلوب معادله و یا عدم استفاده از آن نیست و حس‌آمیزی از مواردی است که می‌تواند گویای تأثیر و تأثراتی دیگر باشد.

### نتیجه

در عین این‌که حس‌آمیزی در سبک عراقی آرایه‌ای مورد توجه نیست، در شعر خاقانی، نه به اندازه‌ای که یک شاخصه سبکی باشد، بلکه به اندازه‌ای است که بتوان آن را جزو آرایه‌های پرکاربرد دانست.

کاربرد هنری و خلاقانه حس‌آمیزی در شعر خاقانی نشان‌دهنده آن است که این آرایه پس از سبک خراسانی متروک نمانده و یک باره در سبک هندی به اوج اهمیت خود نرسیده است، بلکه به تدریج و در طول دوره‌های مختلف در حال تکامل بوده است.

توجه خاقانی به حس‌آمیزی به‌رغم ویژگی‌های سبکی غالب و بارز در دوره شاعری او، ریشه در ویژگی‌های سبکی و ساختار زبانی و معنایی خاص سخنش دارد.

ساختار بلاغی ترکیبات حس‌آمیزی در شعر خاقانی بیشتر مبتنی بر تشبیه است. ساختار دستوری این ترکیبات بیشتر در قالب ترکیب وصفی است تا جمله و ترکیب اضافی.

خاقانی از نظر ترکیب حواس، بیشتر حس بویایی را در ترکیب با سایر حواس به کار برده است.

ترکیب امور انتزاعی و یکی از حواس یکی از ویژگی‌های حس‌آمیزی‌های اوست. این کاربرد بعدها در سبک هندی رواج بسیار می‌یابد.

بسیاری از ویژگی‌های شعری خاقانی مورد توجه شاعران سبک هندی قرار داشت و حس‌آمیزهای او از مواردی است که به نظر می‌رسد الگوی این شاعران بوده است.

## منابع و مآخذ

- ۱- اسلامی، مهرداد. صورخیال (علم بیان) همراه با استعاره‌گونه‌ها، آشنایی‌زدایی‌ها، خلاف‌آمدها (پارادوکس) و حس‌آمیزی در غزلیات خاقانی، دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال: تهران. ۱۳۹۱
- ۲- الهامی، شراره. «بررسی حس‌آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۱۲، ۱۳-۴۸، ۱۳۸۷.
- ۳- امامی، نصرالله. ارمان صبح (گزیده قصاید خاقانی)، تهران: جامی، چاپ چهارم.
- ۴- امامی، نصرالله؛ مراونه، نعیم، «تقابل؛ ویژگی سبکی خاقانی شروانی»، پژوهش‌های نثر و نظم فارسی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۷.
- ۵- بهنام، مریم، «حس‌آمیزی سرشت و ماهیت»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۹، صص ۶۷-۹۲، ۱۳۸۹.
- ۶- توکلی، حمیدرضا، «حس‌آمیزی و جانشینی حواس در مثنوی»، فصلنامه هنری، ش ۳۸، صص ۵۹-۶۷، ۱۳۷۷.
- ۷- حسن‌لی، کاووس، «حس‌آمیزی در ادبیات پارسی»، ادبیات معاصر، ش ۱۷ و ۱۸، صص ۵۹-۶۷، ۱۳۷۶.
- ۸- خاقانی شروانی، افضل‌الدین. دیوان، تصحیح ضیال‌الدین سجادی، تهران، زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۹- دشتی، علی. خاقانی شاعری دیر آشنا. چاپ سوم، بی‌نا، ۱۳۵۷.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل). تهران: آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- ۱۱- \_\_\_\_\_ زبان شعر در نثر صوفیه. تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ۱۲- \_\_\_\_\_ صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه، چاپ دهم، ۱۳۸۵.
- ۱۳- \_\_\_\_\_ موسیقی شعر، تهران: توس، ۱۳۵۸.
- ۱۴- شمیسا، سیروس. سبک‌شناسی شعر. تهران: فردوس. ۱۳۸۲.
- ۱۵- صفوی، کوروش. گفتارهایی در زبان‌شناسی. تهران: هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۶- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد و دیگران، «سبک هندی و مدعیان پیشوایی آن (بررسی میزان

۷۶ ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی

چگونگی تأثیرگذاری شاعران پیشگام سبک هندی بر شکل‌گیری این سبک»، پژوهش‌های ادبی، س ۵، ش ۲، صص ۴۳-۶۰، ۱۳۸۷.

۱۷- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد؛ امن‌خانی، عیسی. «فضولی بغدادی و خاقانی شروانی دو مدعی پیشوایی سبک هندی»، مجله تاریخ ادبیات، ش ۶۱/۳، ۱۳۸۹.

۱۸- کریمی، پرستوی. «حواس پنج‌گانه و حس‌آمیزی در شعر»، گوهر گویا، س ۲، ش ۸، ۱۳۸۷.

۱۹- یاسمی، محمدتقی؛ معتمدی، غلامحسین. «وحدت حواس و آفرینش شعر»، ماهنامه دنیای سخن، ش ۲۷ و ۲۸، ۱۳۶۸.